

Imamate in the Qur'an **(A Critique and Examination of the "Imamate" Entry** **in Oliver Leaman's Qur'anic Encyclopedia)**

Mojtaba Nowrouzi¹ Seyyedeh Farnaz Etehad²

Seyyed Ali Akbar Rabi Nattaj³

Received: 16/10/2022

Accepted: 17/11/2022



Abstract

One of the special encyclopedias of the Qur'an written by Westerners in the present era is the encyclopedia of the Qur'an by Mr. Oliver Leaman. Considering the place of encyclopedias and their importance in the reference of researchers and non-Muslim and even Muslim audiences, it is necessary to review them, especially from the Shiite point of view. The current study deals with the introduction and critique of the entry "Imamate" from the Qur'an encyclopedia, written by Mrs. Arzina R. Lalani and edited by Mr. Oliver Leaman. This entry in that encyclopedia works on the issue of imamate in the meaning of imam, its application in the Holy Quran and the opinions of different Islamic sects. The author starts the main discussion by referring to the verse of the appointment of Ibrahim as an imam and follows up the discussion by providing the

1. Assistant Professor of the Qur'an Sciences and Education University, Mashhad, Iran (corresponding author), m.noruzi@quran.ac.ir.

2. M. A student in interpretation of the Holy Qur'an, Faculty of Qur'anic Sciences, Mashhad, Iran. farnazettehad968@gmail.com.

3. Full Professor of Mazandaran University, Mazandaran, Iran. sm.rabing@gmail.com

* Nowrouzi, M., & Etehad, S. F. & Rabi Nattaj, S. A. A. (1401 AP). Imamate in the Qur'an (A Critique and Examination of the "Imamate" Entry in Oliver Leaman's Qur'anic Encyclopedia). *Journal of Qur'an Sciences Studies*, 4(13), pp. 98-123. DOI: 10.22081/JQSS.2022.65068.1225

concepts and issues discussed in the Qur'an and then briefly presents the views of Islamic schools of thought. The present study is looking for an answer to the question of what are the strengths and weaknesses of this entry, based on the Shia principles and perspective, using a descriptive-analytical method. The findings of the study suggest that despite the strengths of this article, many shortcomings and weaknesses can be seen, which are: Lack of proper and accurate explanation of the term "imam and imamate", lack of logical course and proper order, biased view on the issue of imamate, lack of respect for the Shia view and its reliable sources, lack of proper explanation of Imam's infallibility.

Keywords

Imamate, Qur'an encyclopedia, Oliver Leaman, Imam, Wilayat.

الإمامة في القرآن (نقد لمدخل "الإمامة" في الموسوعة القرآنية لأوليفر ليمان)

مجتبى نوروزي^١ السيدة فرناز اتحاد^٢ السيد علي أكبر ربيع نتاج^٣

تاريخ القبول: ٢٠٢٢/١١/١٧

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٢/١٠/١٦



الملخص

واحدة من الموسوعات القرآنية الخاصة التي كتبها الغربيون في العصر الراهن هي موسوعة القرآن للسيد أوليفر ليمان. ونظراً لمكانة الموسوعات وأهميتها للباحثين وغير المسلمين وحتى المسلمين، فإعادة النظر فيها أمر ضروري، خاصة من وجهة نظر الشيعة. تقدم هذه الدراسة وتنتقد مدخل كلمة "الإمامة" من الموسوعة القرآنية من تأليف السيدة أرزينا آر. لالاني وتحرير السيد أوليفر ليمان. يتناول هذا المدخل في تلك الموسوعة موضوع الإمامة في معنى الإمام، واستخدامها في القرآن الكريم وآراء المذاهب الإسلامية المختلفة. يبدأ المؤلف المناقشة الرئيسية بالإشارة إلى آية تعيين إبراهيم عليه السلام إماماً، ويستمر في المناقشة بعرض المفاهيم التي نوقشت في القرآن ثم يعرض بإيجاز رأي المذاهب الإسلامية. يسعى البحث الحالي، باستخدام المنهج الوصفي والتحليلي، إلى الإجابة عن سؤال ما هي نقاط القوة والضعف في هذا المدخل من منطلق المبادئ والمنظور الشيعي. النتائج التي تم الحصول عليها من البحث أنه بالرغم من نقاط القوة في هذا المدخل إلا أن هناك العديد من النواقص والضعف، والتي يمكن ذكرها على النحو التالي: عدم تقديم تفسير صحيح ودقيق لمصطلح الإمام والإمامة، وعدم وجود مسار منطقي وترتيب سليم، ووجود وجهة نظر متحيزة في مسألة الإمامة، ومعلومات غير كافية لموقف الشيعة ومصادرها الموثوقة، عدم شرح عصمة الإمام بشكل صحيح.

المفردات المفتاحية

الإمامة، موسوعة القرآن، أوليفر ليمان، الإمام، الولاية.

١. أستاذ مساعد في جامعة "علوم القرآن ومعارفه" الجامعة، مشهد، إيران (الكاتب المسؤول). m.noruzi@quran.ac.ir

٢. طالبة ماجستير في مجال تفسير القرآن، كلية علوم القرآن، مشهد، إيران. farnazettehad968@gmail.com

٣. أستاذ في جامعة مازندران، مازندران، إيران. sm.rabing@gmail.com

* نوروزي، مجتبى؛ اتحاد، السيدة فرناز و ربيع نتاج، السيد علي أكبر (٢٠٢٢). الإمامة في القرآن (نقد لمدخل "الإمامة" في الموسوعة القرآنية لأوليفر ليمان). الفصلية العلمية الترويجية مطالعات علوم قرآن (دراسات في علوم القرآن)، ٤(١٣)، صص ٩٨-١٢٣.
DOI: 10.22081/JQSS.2022.65068.1225

امامت در قرآن (نقد و بررسی مدخل "امامت" در دایرةالمعارف قرآنی الیور لیمن)

مجتبی نوروزی^۱ سیده فرناز اتحاد^۲ سیدعلی اکبر ربیع نتاج^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴



چکیده

یکی از دایرةالمعارف‌های ویژه قرآن که غربیان در عصر حاضر نوشته‌اند، دایرةالمعارف قرآن آقای الیور لیمن (Oliver Leaman) است. با توجه به جایگاه دایرةالمعارف‌ها و اهمیت آنها در مراجعه پژوهشگران و مخاطبان غیرمسلمان و حتی مسلمانان، نقد و بررسی آنها خصوصاً با دیدگاه‌های شیعه امری لازم و ضروری است. پژوهش حاضر به معرفی و نقد مدخل «امامت» از دایرةالمعارف قرآن، نگاشته خانم آرزینا آر. لالانی و ویراسته آقای الیور لیمن می‌پردازد. این مدخل در آن دایرةالمعارف به مبحث امامت به معنای امام، کاربرد آن در قرآن کریم و نظریات مختلف فرقه‌های اسلامی پرداخته است. نویسنده با ارجاع به آیه انتصاب ابراهیم (ع) به عنوان امام، بحث اصلی را آغاز می‌کند و با طرح مفاهیم و مواردی که در قرآن به این موضوع پرداخته شده است، بحث را پی می‌گیرد و سپس نظر مذاهب اسلامی را به اجمال مطرح می‌کند. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال است که براساس مبانی و دیدگاه شیعه، نقاط قوت و ضعف این مدخل کدام است. نتایج حاصل از پژوهش آن است که با وجود نقاط قوت این مقاله، کاستی‌ها و ضعف‌های بسیاری نیز دیده می‌شود که می‌توان به این موارد اشاره کرد: عدم تبیین مناسب و دقیق واژه امام و امامت، عدم سیر منطقی و نظم مناسب، نگاه جانبدارانه در مسئله امامت، عدم اشراف بر دیدگاه شیعه و منابع معتبر آن، عدم تبیین مناسب عصمت امام.

کلیدواژه‌ها

امامت، دایرةالمعارف قرآن، الیور لیمن، امام، ولایت.

۱. مجتبی نوروزی، استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). m.noruzi@quran.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر قرآن مجید دانشکده علوم قرآنی مشهد، ایران. farnazettehad968@gmail.com
۳. استاد تمام دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. sm.rabing@gmail.com

* نوروزی، مجتبی؛ اتحاد، سیده فرناز و ربیع نتاج، سیدعلی اکبر. (۱۴۰۱). امامت در قرآن (نقد و بررسی مدخل امامت در دایرةالمعارف قرآنی الیور لیمن). فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، (۱۳)۴، صص ۹۸-۱۲۳.

DOI: 10.22081/JQSS.2022.65068.1225

در دین اسلام، بعد از توحید و نبوت، مسئله امامت جزو اصول دین مطرح می‌شود. امت اسلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دو فرقه شیعه و اهل سنت تقسیم شدند که تعاریف آنها از مسئله امامت متفاوت است. به عقیده اهل سنت، امام مدیریت جامعه اسلامی را بر عهده دارد و در نتیجه لازم نیست که معصوم باشد و به همین جهت از طریق اجماع تعیین می‌شود؛ اما شیعه انتصاب امام را براساس اجازه خداوند و از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌داند؛ چرا که شرط عصمت برای امامت مطرح است و تنها خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخص معصوم را می‌شناسند. فرقه‌های دیگری نیز وجود دارند که اصل امامت را قبول دارند؛ اما در مورد نحوه انتخاب امام و اختیارات و وظایف او با یکدیگر متفاوت‌اند.

گفتنی است در خصوص مدخل امامت در دانشنامه قرآن کریم الیور لیمن پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ گرچه برخی موضوعات آن مانند «ترجمه قرآن» (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳)، «شفاعت» (علوی مهر و وجدی، ۱۳۹۶)، «اعجاز قرآن» (رضایی اصفهانی و علوی، ۱۳۹۷)، «غلو» (افضلی، ۱۳۹۹) و... در این دانشنامه نقد و بررسی شده‌اند؛ بنابراین نقد و بررسی این مدخل می‌تواند در تبیین بهتر دیدگاه شیعه درباره امامت و نقد دیدگاه دیگر فرقه‌ها مؤثر باشد.

۱. معرفی اجمالی دایرةالمعارف قرآن الیور لیمن

دایرةالمعارف قرآن به قلم اسلام پژوهان غربی و شرقی و با سرویراستاری پروفیسور الیور لیمن^۱ در سال ۲۰۰۵ میلادی در امریکا گردآوری و تدوین شده است. نام اصلی این دایرةالمعارف The Quran: An Encyclopedia است. این دایرةالمعارف انگلیسی را انتشارات راتلج در امریکا و کانادا در یک جلد منتشر کرده است. دایرةالمعارف گفته شده در ۸۰۰ صفحه با ۶۴۸ مدخل اصلی و ارجاعی توسط هشت عضو هیئت تحریریه و ۴۳ نگارنده بین‌المللی تدوین شده است. در متن اصلی انگلیسی، مقالات با

1. Oliver Leaman.

توجه به عناوین آنها و به ترتیب حروف الفبای انگلیسی (Z تا A) تنظیم شده است. نویسندگان این دایرةالمعارف مانند اغلب دایرةالمعارف‌های قرآنی انگلیسی‌زبان، مسلمانان یا افرادی‌اند که به دیگر ادیان معتقدند یا حتی افرادی‌اند که دین خاصی ندارند، اما مشتاق و کنجکاو به مفاهیم و علوم قرآنی هستند.

با بررسی متن این دایرةالمعارف روشن می‌شود برخی مدخل‌ها بسیار مفصل و علمی بحث شده‌اند؛ اما برخی دیگر مانند مدخل جهاد بسیار مختصرند. این دایرةالمعارف تاکنون به صورت کامل به هیچ زبان دیگری ترجمه نشده است؛ اما تحقیقات مختلفی در قالب ترجمه، بررسی و نقد برخی مدخل‌های آن صورت گرفته است. از جمله نقاط قوت این دایرةالمعارف به طور کلی که در مدخل «امامت» مشهود است، می‌توان توجه به برخی دیدگاه‌ها و منابع فریقین در موضوع امامت مانند مذهب شیعه، واکاوی مفهوم امامت با توجه به استعمالات این کلمه در قرآن، ارائه بیشتر مداخل در قالب واژه قرآنی، زبانی ساده و محتوایی مختصر برای مداخل‌ها در مقایسه با کارهای مشابه اشاره کرد؛ البته ذکر این نقاط قوت به معنی تأیید محتوای مطالب نیست، بلکه تمام محتوای مقالات این دایرةالمعارف نیازمند بررسی و تحلیل است.

از جمله نقاط ضعف این دایرةالمعارف که در مدخل «امامت» مشهود است، می‌توان به عدم تبیین مناسب و دقیق واژه امام و امامت، عدم سیر منطقی و نظم مناسب، نگاه جانبدارانه در مسئله امامت، عدم اشراف بر دیدگاه شیعه و منابع معتبر آن، عدم تبیین مناسب عصمت امام، عدم ارائه توضیح درباره دلیل انتخاب موضوع برای مداخل‌های خاص، عدم ذکر منابع در انتهای هر مدخل و برخی اشکالات شکلی اشاره کرد (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، صص ۲۹-۷۲).

۲. زندگی‌نامه نویسنده مدخل «امامت» (Imam/Imama)

خانم آرزینا آر. لالانی دکترای خود را در مطالعات اسلامی از دپارتمان مطالعات عربی و خاورمیانه‌ای دانشگاه ادینبورو اسکاتلند گرفته است. وی تسلط کامل به زبان عربی دارد و اطلاعات وسیعی از متون سنتی اسلامی دارد. لالانی هم‌اکنون به عنوان محقق

مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن مشغول به فعالیت است و پیش از آن در دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه کمبریج و دانشگاه دمونتفورت تدریس می‌کرده است.

یکی از آثار او با نام اندیشه‌های نخستین شیعی: تعالیم امام محمدباقر (ع) در سال ۲۰۰۲م برنده جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد که از این نظر می‌توان نتیجه گرفت او نسبت به دیگر مستشرقان، نظریاتی منصفانه و مثبت درباره مفاهیم و اعتقادات اسلام دارد. این کتاب تاکنون به زبان‌های فارسی، عربی، فرانسه، گجراتی و اردو ترجمه و منتشر شده است. کتاب دیگری که وی در دست تهیه دارد، ترجمه و ویراستاری یک اثر خطی از دوران فاطمیان از احمد نیشابوری است با نام اثبات الامامه. از فعالیت‌های دیگر لالانی می‌توان به «امامت در قرآن» و ترجمه و ویراستاری شواهد البیان جعفر ابن منصور الیمنی از متون مهم دوره فاطمیان اشاره کرد. لالانی همچنین با دایرةالمعارف قرآن، دایرةالمعارف دین، فرهنگ فیلسوفان مسلمان و دایرةالمعارف قرآن راتلج همکاری دارد. وی در کنفرانس‌های متعدد علمی هم شرکت داشته که از آن جمله می‌توان به کنفرانس مطالعات شیعی در دانشگاه مینز آلمان اشاره کرد. او در آن کنفرانس به ایراد سخنرانی با عنوان «گفتمان تفسیری راجع به کلمه شیعه» پرداخت (حسینی، ۱۳۸۷، صص ۲۸۸-۲۸۹).

۳. گزارش مختصر از ترجمه مدخل «امامت»

مقاله «امامت»^۱ در صفحات ۲۸۹ تا ۲۹۴ دایرةالمعارف قرآن البور لیمن نگارش یافته است؛ از آنجا که مدخل نسبتاً طولانی است، مطالب این مدخل به صورت دسته‌بندی در ادامه ارائه می‌گردد:

۱-۳. معنای لغوی و اصطلاحی امام

واژه امام از نظر معنایی از فعل عربی «ام، یؤم» است که در شکل‌های مختلف آن به

1. Imam/Imama.

معنی رهبر مسیر، پیشرو، راهنمایی همراه با یک نمونه یا الگویی اصلی به کار برده می‌شود؛ بنابراین کلمه امام به رهبر، انسان فرهیخته، رئیس یا فرمانده اطلاق می‌شود. این واژه برگرفته از همان ریشه کلمه ام (مادر) و اُمّه است که در قرآن به معانی مختلف همچون مذهب، جامعه، ملت، قبیله یا یک شخص خاص به کار رفته است؛ مانند آنچه که درباره حضرت ابراهیم در قرآن به کار رفته است: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ» (نحل، ۱۲۰). در اینجا «اُمّه» به معنای امام به کار رفته است؛ یعنی شخصی صالح، شخصی مشهور به سبب نیکوکاری‌اش، انسانی فرهیخته در سن و زمان خودش و شخصی چنان برجسته در یادگیری که در زمان او هیچ کس با او برابر نبوده است. امام فردی است دارای دانش قابل توجه که از سرمشق‌های او پیروی می‌شود.

۲-۳. واژه «امام» در قرآن

واژه «امام» در قرآن دوازده بار ذکر شده است که هفت بار به صورت مفرد و پنج مرتبه به صورت جمع با اصطلاح «اُمّه» آمده است و به معانی رهبر، سرمشق، راهنما، وحی، نمونه اولیه، و پیشرو در مسیر آمده است. اولین استفاده از این کلمه در سوره بقره آمده است که اشاره به انتصاب ابراهیم به عنوان رهبر بشریت دارد: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛ تو را قطعاً پیشوا و امام مردم قرار دادم» (بقره، ۱۲۴). این آیه مربوط به آزمایش‌های زندگی او است که مقدمه‌ای برای دستیابی به یکپارچگی اخلاقی و رهبری بشریت شد. به این موضوع بار دیگر نیز اشاره شده است (انبیاء، ۷۳) که ابراهیم و دیگر پیامبران به عنوان رهبر منصوب شده‌اند و از طریق وحی به آنان ابلاغ شده است تا انسان‌های نیک باشند و به عبادت پردازند و صدقات و استغاثه‌هایشان را جز به سوی الله نداشته باشند. مثال بعدی درباره پیروان موسی است: «وَرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵). طبق تفسیر الجلالین از سیوطی، این آیه هنگام هجرت پیامبر اکرم ﷺ از مکه به مدینه نازل شده است. چیزی نگذشت که او رهبر جامعه مسلمین یثرب شد و به احترام ایشان یثرب به مدینه النبی یعنی شهر پیامبر اکرم ﷺ (مخفف آن مدینه) تغییر نام پیدا کرد. آیه «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا

صَبَرُوا وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يُوْقِفُونَ» (سجده، ۲۴) به تعیین حضرت موسی (به عنوان رهبر و امام) و انتصاب رهبران بنی اسرائیل اشاره دارد که همواره پیروانی صبور بودند. نمونه‌هایی از این دست، به‌ویژه نمونه‌هایی درباره موسی، بارها در لحظات ناامیدانه پیامبر اکرم ﷺ به او وحی می‌شود که بیانگر مبارزات اولیه و پیروزی نهایی موسی است.

علاوه بر این کلمه امام در آیه «وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان، ۷۴) مثالی است برای افرادی که تلاش دارند جزو متقین باشند. این افراد به دلیل صبر و شکیبایی، در آخرت موقعیت ممتازی به آنها اعطا می‌شود و در آنجا با سلام و صلح پذیرایی می‌شوند. طبری از ابن عباس روایاتی را نقل می‌کند که این آیه به امامان متقی اشاره دارد، همان‌طور که درباره انتصاب ابراهیم به همین روش درباره امامتش خبر داده شد. آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (اسراء، ۷۱) به امامانی از فرزندان آدم اشاره دارد که وظیفه انتقال و حفظ پیام خدا را داشتند. آنها گواه بر اعمال ملتشان براساس ایمانشان هستند. برخی مفسران امام را در این مورد به معنای کتاب مقدس و برخی دیگر به عنوان اعمال ثبت شده تفسیر می‌کنند. این معنای امام (معنای اعمال) از نظر برخی مفسران در این آیه آمده است: «وَ كُلِّ شَيْءٍ أُخْصِيئَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس، ۱۲)، اگرچه برخی دیگر از مفسران امام را به معنی رهبر گرفته‌اند. قمی روایتی را از علی بن ابی طالب ثبت کرده است که همان علی امام مبین است.

کلمه امام مبین بار دیگر در آیه «وَ إِنَّهُمَا لَيَأْمُرَانِ مُبِينٍ» (حجر، ۷۹) آمده است که اشاره به نمونه‌ای روشن درباره ویرانی شهرها دارد، هنگامی که مردم در برابر پیامبرانی همچون لوط و شعیب مقاومت می‌کردند.

در آیات «وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَ رَحْمَةً» (هود، ۱۷) و «وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَ رَحْمَةً» (احقاف، ۱۲)؛ امام اشاره به مجموعه وحی‌هایی است که به موسی و محمد رسیده است و به همین مناسبت است که گاهی قرآن امام المسلمین (راهنمای مسلمانان) نامیده می‌شود.

صورت جمع این کلمه یعنی ائمه در دو آیه دیگر به کار رفته است: رهبران بی‌ایمان (الکفار) و رهبرانی که به سوی آتش هدایت می‌کنند (النار) «فَقَاتِلُوا أُمَمَةَ الْكَفَرِ» (توبه، ۱۲)، «وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (قصص، ۴۱).

۳-۳. کاربرد واژه «امام» در قرآن

سه دسته‌بندی برای کاربرد واژه امام در قرآن وجود دارد: ۹ مرتبه برای رهبران استفاده شده است، ۷ مرتبه برای رهبران صالح که در ابتدا با تحقیر و توهین مواجه شدند و سپس به عنوان نمونه‌هایی اولیه برای رفتار انسانی شدند؛ دو آیه اشاره به وحی‌هایی دارد که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دریافت کرده‌اند و یک آیه هم نمونه‌ای را بیان می‌کند؛ بنابراین کلمه امام به مدیریت، هدایت یا بلد راه شدن اعم از مفرد یا جمع اشاره دارد، گرچه امروزه در موارد بسیاری به عنوان پیشوای نماز (امام جماعت) هم استفاده می‌شود. امامت عملکرد امام است؛ یعنی عملی است که امام در مسئولیت خود به عنوان یک امام باید انجام دهد و شیوه یا روشی است که امام در جایگاه رهبری خود برای نقش یا عملکرد امامتش انتخاب می‌کند. هر دو کلمه امام و امامه (در فارسی امامت) در تاریخ مسلمانان به روش‌های مختلفی تفسیر و تأویل شده است و تأثیر چشمگیری در تعیین بعد مذهبی - سیاسی جامعه داشته است.

امام در معنای غیراصطلاحی، اغلب به رهبر جامعه، راهنمایی در زمینه بورس تحصیلی یا پیشوای نماز آیینی به کار می‌رود. در شریعت و الهیات اسلامی، از نظر اصطلاحی امام به رهبری عالی مشروع مسلمانان پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اطلاق می‌شود که خود او نمونه‌ای از جامعه (امام الاثمه) توصیف می‌شود. امام را دراصل می‌توان مادر جامعه، ام الاثمه توصیف کرد که همه این اصطلاحات به یک ریشه تعلق دارند. علاوه بر خود واژه امام، امامت از نظر مفهومی در قرآن با عبارات مختلف دیگری نیز از جمله سلطان، امر، مُلک، کتاب، نور، حکمت و هدی به کار رفته است. در آیات ۳۳ و ۳۴ سوره آل عمران «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ ءَالَ إِبْرَاهِيمَ وَ ءَالَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ و آیه ۵۴ سوره نساء «فَقَدْ ءَاتَيْنَا ءَالَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ ءَاتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» کلمه آل (خانواده) کاملاً مشخص است. در آیه ۵۵ سوره نور «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» به خلافت اشاره شده است و در آیات «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ» (احزاب، ۷۲) و «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء، ۵۸)

واژه امانت (اعتماد به خدا) در قلم محققان شیعه به امامت تفسیر شده است. امامت امانت یا ودیعه‌ای است که از طرف خداوند به امام سپرده می‌شود که ضمانت (حجت) و پیوندی (سبب) با جهان آسمانی برای افرادی که صلاحیت او را بپذیرند، فراهم می‌کند.

۴-۳. امام در اندیشه اندیشمندان فرق و مذاهب

صلاحیت امام، بخشی از تاریخچه عالم است و به دوران میثاق پیش از خلقت (یوم الميثاق) برمی‌گردد که از طریق سلسله پیامبران و سیره آنان به امامان اعلام شده است. تمام دانشمندان مسلمان امامت را ضروری می‌دانند. ماوردی (متوفی، ۱۰۵۸/۴۵۰) دانشمند شافعی سده یازدهم، در اثر خود برای تعیین امام، اولوالامر را که در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹) آمده است، به عنوان ضرورت می‌داند که به صورت قانون نازل شده است. از نظر وی در زمینه نگهبانی از دین و اداره دنیا امامت جانشین پیامبر ﷺ است: (الإمامة موضوعة لخلافة النبوة في حراسة الدين و سياسة الدنيا به)؛ بنابراین انتصاب امامت برای مسلمانان واجب است، اگرچه در این خصوص که این امر براساس وحی صورت می‌گیرد یا براساس ادله اختلاف نظر وجود دارد. از نظر ماوردی، انتصاب امام از طریق انتخاب صورت می‌گیرد و حتی اگر از سوی یک شخص واحد باشد، دلالت بر تأیید تعیین جانشین دارد و یک گام از تصور شیعه که براساس وراثت این جانشینی صورت می‌گیرد به دور است.

مجموعه احادیث اهل سنت - که در اثر وینسنگ^۱ (۱۹۷۱) از هشت نویسنده از جمله بخاری و مسلم نام برده شده است - حاکی از این است که شجره امامان باید به قریش برسد. اطاعت از امام واجب است و سرپیچی از او مجازات دارد. رهبران متقلب مجازات می‌شدند و رهبران خوب پاداش می‌گرفتند. امامت را همچون رهبری پیامبر ﷺ می‌دانند و در نتیجه نباید مورد تحقیر و اهانت قرار گیرد. هر که از امام اطاعت کند، از محمد ﷺ اطاعت کرده است. ضرورت امامت هرگز مورد بحث علما نبوده است،

1. *The Muslim Creed: Its Genesis and Historical Development*.

اما اینکه از طریق برهان آشکار باید تعیین شود یا از طریق وحی تعیین گردد، مورد اختلاف است.

دانشمندان شیعه مانند دانشمندان فاطمی اوایل سده پنجم همچون نیشابوری و دانشمندان اثنی عشری همچون مفید (متوفی ۴۱۳) بر این باور هستند که امامت از نظر عقل و وحی ضروری است. نیشابوری در کتابش به نام «اثبات الامامة» با ارائه الگوهای کامل از هر مورد، با ارائه شواهد عقلانی درباره رهبری اثبات می کند که امام در اوج بشریت است. عبدالجبار معتزلی ضرورت تعیین امام از نظر عقل را انکار می کند، اگرچه استدلالاتی می آورد که وحی، ضرورت وجود امام در هر عصری را اثبات می کند.

امامت در احادیث به عنوان اصول دین مطرح می شود و نه فروع آن؛ اما محققان اهل سنت که پیرو جویی و غزالی هستند آن را در اعمال مربوط به شریعت و قانون جای می دهند و این امر عمدتاً در واکنش به عقیده شیعیان است که پیوسته امامت را به عنوان محور ایمان می دانند. علاوه بر این برای محققان تطبیق صفات برجسته امامت با صاحبان سلطنت که دارای قدرت بودند (چه دارای صلاحیت و چه بدون آن) کاری دشوار بود؛ بنابراین در عقاید اهل سنت هیچ ارجاعی به امامت صورت نگرفته است و تنها به خلفای راشدین اشاره شده است. از طرف دیگر شیعه، امامت را اصل ایمان در نظر می گیرد نه اینکه آن را یک نهاد بداند و امامت از نظر شیعه دارای اصولی است که در ولایت، نص، علم، نور، عصمت و شفاعت ریشه دوانده است. شخصیت نورانی سده دوم، امام محمد باقر علیه السلام، امامت را همچون نبوت می داند که اصل آن به صورت محکم در قرآن و سنت آمده است. از نظر وی، امامان حامیان و محافظان مؤمنان هستند و اطاعت از آنان واجب است. امامان نیز تحت وحی هستند و کتاب (قرآن) به آنان به عنوان وراثت رسیده است و افرادی هستند که به تفسیر درست قرآن علم دارند. از نظر امام باقر علیه السلام و فرزندش امام جعفر صادق علیه السلام، در تعالیم ائمه، علم موضوع اصلی است و نقش اولیه امام راهنمایی معنوی است و پیروانش را به مسیرهای درونی علم و حکمت سوق می دهد. در نتیجه وظیفه امام، تطهیر انسان ها و تهیه

منابع مناسب برای رسیدن به حقیقت تاریخ طبق علت وجودی است، یعنی بازگشت انسان به اصل خویش.

از نظر اهل سنت، عملکرد امام در درجه اول سیاسی است. او ممکن است وظایف مذهبی را انجام دهد، اما لزوماً هیچ تقدسی برای وجود او ایجاد نمی‌کند. از نظر اهل سنت، امام یک محافظ و مجری شرع است، نه منصوب الهی، بلکه به وسیله «اجماع» منصوب شده است. از نظر شیعه، انتخاب یک امام فراتر از اجماع مردم است و چون اعتقادی اساسی است، اجماع را نمی‌توان در این مورد اعمال کرد، همان‌طور که اجماع در مورد توحید، نبوت محمد ﷺ به عنوان پیامبر خدا قابل استفاده نیست. امامت لطفی از جانب خدا است و اکتسابی نیست. از نظر تاریخی و مفهومی، جوامع مختلف مسلمان نظریه امامت را در دوره‌های مختلف تاریخی گسترش دادند. اشاره قرآن به ابراهیم به عنوان یک امام، موضوع تفسیرهای مختلف برای گروه‌های مختلفی از مسلمانان قرار گرفته است که همگی بر حقانیت قرآن در تفسیرهایشان تأکید دارند؛ برای مثال خوارج با اصرار بر مساوات و عدالت، خواستار انتخاب امام صرف نظر از پیشینه قبیله‌ای یا نژادی وی می‌شوند. امروز اباضیه عمان و شمال آفریقا تنها خوارج باقیمانده هستند که همچنان امام را خودشان انتخاب می‌کنند. آنان حق انتخاب قریش برای امامت را رد می‌کنند. از نظر شیعه آن چیزی که عقیده اصلی است و همه بر آن اتفاق نظر دارند، چنین است که فقط از فرزندان علی بن ابی‌طالب می‌توانند رهبر عالی جهان باشند. برخلاف امامیه، زیدیه تسلسل موروثی امامان را به رسمیت نمی‌شناسند؛ اما از نوادگان فرزندان علی، حسن و حسین، هر کدام که خواستار بیعت از طریق خروج یا قیام باشد، حمایت می‌کنند. همین‌طور در نظریه معتزلی و اهل سنت تأکید آنان بر دانش در امور دینی، توانایی تصویب قضاوت مستقل در شرع (اجتهاد)، تقوا، صداقت و شجاعت اخلاقی است. برخلاف سایر شیعیان که به رسمیت شناختن دو امام همزمان را به‌ویژه در زمانی که دو جامعه جداگانه در یمن و دریای خزر وجود داشت، مجاز می‌دانند. زیدیه‌های خزر در دوران ناصریه و جوامع قاسمیه باقی مانده بودند؛ اما در زمان شاه طهماسب صفوی به شیعه اثنی‌عشری تبدیل شدند. دو جامعه یمنی، معتزله و حسینی نیز در سده چهاردهم ناپدید شدند. با وجود این، جامعه زیدی در یمن تا سده بیستم دوام

آورد و آخرین امام آنان، محمد البدر، در انقلاب ۱۹۶۲ سرنگون شد. از نظر شیعه امامی، اسماعیلی و اثنی عشری، امامت یک جایگاه الهی است که وراثتی است و براساس نیاز بشر به یک رهبر عالی قدر و یک عالم معتبر واگذار شده است. براساس معنای باطنی قرآن، جهان بدون امام امکان وجود ندارد. در هر زمان فقط یک امام وجود دارد، اگرچه ممکن است یک امام ساکت (صامت) به عنوان جانشین وی در کنارش حضور داشته باشد. از زمان پنهان شدن (غیبت) امام مهدی علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری، اثنی عشری ها یعنی هر دو گروه اصولیون و اخباریان به مجتهدان و آیت الله به عنوان عالمان مذهبی رجوع می کنند تا زمانی که آن امام بازگردد. دانشمندان اسماعیلی در زمان فاطمیون، در طول سده چهارم، موفق شدند فلسفه یونان باستان را با الهیات خود سازگار کنند. امام سرآمد موجودات عالم شناخته می شود که به واسطه فیض وجود او، به بشر و جهان ظرفیت اعطا می شود. در آموزه های باطنی، امام از رتبه یا منزلت (حد) خاص در رتبه بندی مذهبی دارد. امام تعهد دارد تا معنای جامعی از قوانین وحی شده را بیان کند (ناطق) و حجت او از تفسیر باطنی (تاویل) پرده برمی دارد. اسماعیلیان عمدتاً در دو فرقه باقی ماندند. اسماعیلیان طیبی، الامیر (متوفی ۵۲۴/۱۱۳۰) را امام می شناسند و با اینکه الامیر غایب است، اما با جامعه در ارتباط است. اندیشمندان طیبی در مورد ماهیت الوهی و نقش امام بحث کرده اند و این باعث می شود که ماهیت الهی او (لاهورت) از طبیعت انسانی او (ناسوت) متمایز باشد. جامعه آنان توسط ذی المطلق هدایت می شود. اسماعیلیان نزاری پس از خلیفه فاطمیون، المنتصر نزار را به عنوان امام به رسمیت شناختند و تاکنون طی یک دوره چهل ساله به فردی به نام کریم آقاخان به عنوان امام نهم که امامتش موروثی است (امام حاضر) اعتقاد دارند. در آموزه های آنان درباره قیامت (معاد)، امام به عنوان افشاگر حقایق باطنی تبیین شده و به عنوان بروز (مظهر) کلام یا امر خدا تعریف شده است. از طریق همین شناخت امام است که فرد مؤمن به ظهور یا قیام شخصی روحانی دست پیدا می کند. امام با آموزه های خویش (تعلیم معتبر) مسیر مرید را در قلمروهای زمانی و معنوی روشن می کند. امروز نگرش مسلمانان اهل سنت به امامت متفاوت است. به نظر می رسد از زمان لغو سلطنت عثمانی در سال ۱۹۲۲م، همان گونه که در مجلس اعظم ملی ترکیه تأیید شده است، امامت از

سوی اهل سنت به کلی انکار شده است. این موضوع را علی عبدالرزاق، نویسنده مصری، در رساله الاسلام و اصول الحکم (۱۹۲۵م) نیز تصدیق کرده است. با این حال، برخی دیگر خواستار احیای امامت جهانی شده‌اند، از جمله رشید رضا که سوری است و در کتاب الخلافه و الامامت العظمی (نگاشته شده در ۱۹۲۳م) چنین نظری دارد. متفکران مدرن برای انتخاب امام تأکید بر شورا (مشورت) دارند. از نظر آنها امام قداست خاصی ندارد، اگرچه آنها به پیامبران کهن همچون ابراهیم و محمد اشاره می‌کنند.

۴. بررسی و نقد مدخل امامت

مدخل امامت در دایرةالمعارف لیمن، جزو موضوعاتی است که به‌طور تقریباً مفصل از صفحه ۲۸۹ تا ۲۹۴ آمده است و تا حدودی به تمام مطالب اساسی و حتی مسائلی که در باب این موضوع از نظر دیگر مذاهب و فرقه‌ها مطرح شده، اشاره کرده است. این اثر از این نظر که به موضوعات کلان در این خصوص و طرح آرای مختلف پرداخته، دارای اهمیت است. همچنین از این نظر که به طرح آرای شیعه در مقاله پرداخته است و منابعی همچون کافی و تفسیر قمی در منابع نهایی مقاله موجود است، از نکات مثبت این مقاله است. در محتوای مقاله مباحث مفهوم‌شناسی و واژه‌شناسی واژه امام به چشم می‌خورد؛ نویسنده همچنین با ارجاع به آیات قرآن کریم به مشتقات مختلف این واژه در قرآن و معانی آن پرداخته است؛ اما اشکالاتی کلی و محتوایی بر متن و محتوای مقاله وارد است که در حد اقتضا به آنها می‌پردازیم.

۴.۱. اشکال‌های کلی

۴-۱-۱. ضعف واژه‌شناسی و تعریف اصطلاحات

با توجه به اینکه مقاله با بحث واژه‌شناسی آغاز شده است، بهتر بود درباره این کلمه توضیحات بیشتری ارائه می‌شد و همچنین برای مباحث اصطلاحی آن به منابع و آیات دیگری نیز ارجاع داده می‌شد و از آنجا که کلماتی همچون فاطمی، خوارج، اباضیه،

اسماعیلیه، زیدیه، معتزلی، امام صامت و متفکران مدرن در متن مقاله به چشم می‌خورد، بهتر بود ابتدا تعریفی از این مفاهیم ارائه گردد و مقصود مشخص شود و سپس به توضیح درباره آنان به صورتی مشخص و منظم‌تر پردازد تا متن مقاله دچار ابهام و پیچیدگی نشود و از شفافیت متن نگاهد.

از نظر راغب اصفهانی امام یعنی مقتدا و کسی یا چیزی که به او اقتدا کنند و ممکن است این اقتدا به قول و فعل یک انسان، کتاب آسمانی و غیر از آن باشد و حق یا باطل باشد. جمع امام ائمه است و کلام خداوند هم چنین است: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (اسراء، ۷۱) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۷). واژه امامت در قرآن نیامده است؛ اما همان‌طور که در متن مقاله اشاره شده، واژه امام در قرآن دوازده بار به کار رفته است؛ ۷ مرتبه به صورت مفرد (هود، ۱۷؛ احقاف، ۱۲؛ یس، ۱۲؛ حجر، ۷۹؛ فرقان، ۷۴؛ اسراء، ۷۱؛ بقره، ۱۲۴) و ۵ مرتبه به صورت جمع (توبه، ۱۲؛ قصص، ۴۱؛ انبیاء، ۷۳؛ سجده، ۲۴؛ قصص، ۵). با توجه به آیات قرآن کریم، کلمه امام گاه به معنای پیشوای پرهیزکاران و در ادامه کار نبوت قرار دارد و گاهی به معنای پیشوای کفر و ظلم است.

در کتاب وجوه القرآن تفلیسی پنج وجه برای واژه امام آمده است: ۱. پیشرو: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره، ۱۲۴)، ۲. نامه: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (اسراء، ۷۱)، ۳. لوح: «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس، ۱۲)، ۴. تورات: «وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا»، ۵. راه روشن: «وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ» (حجر، ۷۹) (تفلیسی، ۱۳۷۱، ص ۲۱).

از طرفی دیگر امامت در قرآن عام است و به دو بخش امامت حق و پیشوایی باطل تقسیم می‌شود. امامت حق نیز دو گونه است: امامت بالاصاله که برای پیامبران جعل می‌شود و امامت بالاستخلاف که در آن از امامت جانشینان انبیا (امامان) سخن به میان می‌آید و منظور از امامت حق بالاصاله، امامت کسانی است که خدای سبحان به‌طور مستقیم امامت را برای آنان جعل کرده است، مانند امامت برخی پیامبران الهی که با توجه به تفاوت درجات، از مراتب متفاوت امامت برخوردار بوده‌اند (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۴، صص ۲۲۱-۲۲۳).

۴-۱-۲. عدم نظم و سیر منطقی در ارائه نظرها

واژه امام مفهومی گسترده دارد و بسته به شرایط و متنی که در آن به کار گرفته می‌شود معانی آن تفاوت خواهد کرد؛ در نتیجه انتظار می‌رفت معانی این واژه به صورتی که دارای سیر منطقی باشد، دسته‌بندی و ارائه گردد و همچنین نظر فرقه‌های مختلف که در مقاله به آنها اشاره شده است، در ذیل همان دسته‌بندی به آن اشاره گردد؛ چراکه در اصل اختلافی بر سر معنا و وجود امام در فرقه‌ها و مذاهب نیست، بلکه باید مرز این تفاوت‌ها درباره مفهوم امام مشخص می‌شد که در این مقاله تنها به صورت پریدن از شاخه‌ای به شاخه دیگر گریزی به این فرق و مذاهب زده شده است و دچار پیچیدگی مقاله و سردرگمی مخاطب در مواجهه با نظرات مختلف شده است؛ حتی می‌توان چنین خرده گرفت که نیازی به اشاره به تمام این فرقه‌ها نبوده است و بهتر بود که به مسائل و فرقه‌های شاخص‌تر به طور کامل پرداخته می‌شد.

۴-۱-۳. نگاه جانبدارانه

مقاله در ابتدای بحث که مربوط به اشارات آیات قرآنی در خصوص امام و امامت است، به خوبی پیش رفته است و مثال‌هایی از آیات را به طور کامل تقریباً تبیین کرده است؛ اما از ادامه بحث که درباره مفهوم امامت در مذاهب مختلف به خصوص شیعه اسماعیلیه، اثنی عشری و اهل سنت است با حالتی جانبدارانه بحث را پیش می‌برد و خیلی در منابع شیعی غور و تفحص نکرده است و تأکید بیشتر بر این است که در نظر شیعه امامت موروثی است؛ در بخشی از مقاله چنین مطرح شده است: «...حتی اگر از سوی یک شخص واحد باشد دلالت بر تأیید تعیین جانشین دارد و یک گام از تصور شیعه که براساس وراثت این جانشینی صورت می‌گیرد به دور است» و بیشترین رأی و نظر درباره انتخاب امام همان اجماع و نظر مشورتی است و حتی بحث را هم با همین نگاه به پایان برده و البته رها کرده است و حتی توضیحی نیاورده است که منظور از متفکران مدرن چه اشخاصی هستند؛ آیا دین و آیینی دارند یا اینکه تنها متفکرند.

۴-۱-۴. عدم مراجعه به منابع اصیل و معتبر

خوشبختانه منابع مورد استفاده در مقاله، در قسمت پایانی بحث ذکر شده است؛ اما خالی بودن از منابع شیعی معتبر در مقاله مشهود است و همین موضوع باعث شده از غنای مقاله بکاهد. از طرف دیگر اشکالی که برای ذکر منابع در این مقاله وارد است، نحوه ارجاع دهی است. در مقالات علمی آن هم در سطح یک دایرةالمعارف انتظار می‌رود موارد اصلی و تعیین شده در سطح جهانی برای نگارش مطالب علمی رعایت شود، حال آنکه از منابع درون متنی خبری نیست و تمام منابع بدون اینکه مشخص باشد هر منبع مربوط به کدام مبحث مطرح شده در متن مقاله است، در انتهای مقاله ذکر شده است. از جمله منابع شیعی و تفسیری که در مقاله استفاده شده است، کتاب اصول کافی از کلینی است و از دو تفسیر جامع البیان از طبری و تفسیر ابراهیم قمی در منابع یاد شده است؛ متأسفانه همان‌طور که ذکر شد، مشخص نیست کدام مطلب یا بخش از این منابع و در کدام قسمت از مقاله استفاده شده است.

۴-۱-۵. ناتمام ماندن بحث اصلی مقاله

شاید بتوان مشکل اصلی مقاله را همین مورد دانست که بحث امامت یا امام در حد یک دایرةالمعارف قرآنی به نتیجه مطلوب و نهایی نرسیده است و به گونه‌ای ناتمام به پایان رسیده و رها شده است و همان‌طور که اشاره شد به نظرهای مختلف در فرق و مذاهب به صورت پراکنده بدون تشریح و تبیین اکتفا شده است؛ اما نتیجه نهایی تبیین نشده است و در آخر از مباحث و آیات قرآنی کاملاً دور مانده است؛ درحالی که دایرةالمعارف عنوان قرآنی دارد و انتظار می‌رود نتیجه‌ای متقن داشته باشد. همچنین در مورد نظر اهل سنت در خصوص رهبری جامعه اسلامی (امامت) به حد کافی و کامل مطلب تبیین نشده است و گویا در حد نقل قول و گریز زدن به عقاید و نظرهای مختلف درباره امام اکتفا شده است: «متفکران مدرن برای انتخاب امام تأکید بر شورا (مشورت) دارند: از نظر آنها امام قداست خاصی ندارد، اگرچه آنها به پیامبران کهن همچون ابراهیم و محمد اشاره می‌کنند».

در بخشی از مقاله چنین عنوان می‌شود که از نظر ماوردی که از علمای اهل سنت است، امام از طریق انتخاب منصوب می‌شود و از این عقیده شیعه که امامت موروثی است، یک گام جلوتر است. در توضیح و نقد این بخش باید گفت اولاً تنها طرح یک نظر از یکی از علمای اهل سنت درباره نحوه تعیین و انتصاب امام کافی نیست و از طرفی این نظر که امامت در نگاه شیعه امری موروثی است، نظری اشتباه است و چنین نظری اصلاً در منابع شیعی مورد تأیید نیست. همچنین لازم بود نویسنده مقاله برای این دلایل منابعی را به صورت موثق و مستقیم معرفی و بیان کند.

از طرفی نویسنده به این نکته اشاره کرده است که علمای اهل سنت هرگز از امامان صحبتی نکرده‌اند و تنها خلفای راشدین را نام برده‌اند. اولاً این موضوع را همان‌طور که مطرح شد به صورت پراکنده مطرح می‌کند و پس از طرح یکی دو مطلب غیر از موضوع اهل سنت به این نکته می‌پردازد و این نظر نیز اشتباه است؛ چون مطمئناً با جستجو در منابع اهل سنت مواردی بسیار را می‌توان یافت که درباره امامت حضرت علی (علیه السلام) نیز مطالبی مطرح شده است و نویسنده مقاله در اینجا ضعیف و احتمالاً غرض‌ورزانه عمل کرده است که خیلی بحث را درباره آن گسترش نداده است؛ برای مثال فخر رازی که از علمای اهل سنت است درباره حضرت علی (علیه السلام) گفته است هر که در دینش به علی ابن ابی طالب اقتدا کند، به درستی که هدایت شده است و برای این سخنش به سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) استناد می‌کند که فرمود: «اللَّهُمَّ ادر الحق مع علی حیث دار» (فخر رازی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۳۵). حدیث غدیر نیز در منابع اهل سنت ذکر شده است از جمله اینکه در صحیح مسلم آمده است پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در محلی بین مکه و مدینه به نام «خم» پس از حمد و ستایش خداوند و موعظه مردم فرمودند: «ایها الناس نزدیک است که پیامبر دعوت خدا را جواب گوید و من در میان شما دو چیز گران‌بها را می‌گذارم. اول آن دو، کتاب خدا است که در آن هدایت و نور است؛ پس آن را بگیرید و به آن متمسک شوید. دومی اهل بیت من است و سه بار فرمود: اذکرکم الله فی اهل بیتی»

(قشیری نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۷۳). حتی درباره صحت سند حدیث غدیر نیز علمای اهل سنت ذکر کرده‌اند که این حدیث صحیح و متواتر است؛ برای مثال ابن عاصم می‌نویسد حدیث «من كنت مولاة فعلى مولاة» در نهایت صحت است که جماعتی از صحابه با طرق مختلف آن را نقل کرده‌اند و تمام نقل‌ها سلسله‌سندهای صحیح دارند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، صص ۱۰ و ۱۰۵؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۶۳؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۲۷۷؛ دمشقی، بی تا، ج ۴، ص ۴۲۶؛ عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۲۹۷؛ قاری، ۱۴۲۲، ج ۱۱، ص ۲۴۸). ابن حجر هیثمی از دانشمندان اهل سنت است که کتاب الصواعق المحرقة را علیه مذهب شیعه نوشته است، با این حال به صحت حدیث غدیر اذعان داشته است و دلیل این صحت را کثرت نقل آن و افرادی که آن را نقل کرده‌اند، ذکر می‌کند (ابن حجر هیثمی، ۱۴۱۷، ج ۱، صص ۱۰۶-۱۰۷).

درباره نظر انتخاب امام که بین شیعه و اهل سنت اختلاف است، چنین تبیین می‌گردد که تعیین و نصب امام در نگاه شیعه همچون تعیین و نصب پیامبر از طرف خداوند است؛ اما اهل سنت معتقدند تعیین امام با نصب الهی یا اجماع مسلمانان یا شورا است. نصب الهی برای بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق نیفتاد و جانشین پیامبر با اجماع و شورا تعیین گردید. ابوالحسن اشعری درباره این موضع چنین می‌گوید: جایز است که امامت با نص هم منعقد و ثابت شود، ولی چون نص درباره کسی نیامده است، مسئله امامت به اختیار مردم واگذار شده است. (شهرستانی، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۱۱۷). نظر مادلونگ که محقق غیرمسلمان است، در این خصوص جالب توجه است. او با نگاهی بی‌طرفانه معتقد است: «توصیه قرآن به مؤمنان برای حل و فصل امور از راه شورا، شامل مسئله جانشینی نمی‌شود. این امر (جانشینی) به نص قرآن در مورد انبیای گذشته با انتخاب الهی صورت می‌گیرد و خداوند معمولاً جانشینان آنان را از خویشاوندان خود آنان برمی‌گزیند» (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ص ۱۴۷)؛ البته خود اهل سنت هم به عقیده شورا باقی نماندند؛ چرا که پس از انتخاب ابوبکر با نظر شورا، خود ابوبکر برای انتخاب عمر روش دیگری را برگزید و براساس «نص» و نه «انتخاب و شورا» عمر را انتخاب کرد (بصری زهری، ۱۹۶۸، ج ۳، صص ۱۹۹-۲۰۰؛ ابن جوزی، ۱۴۰۹، صص ۷۱-۷۵). به عقیده آنان این کار را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

انجام نداد؛ اما ابوبکر براساس نص برای خود جانشین انتخاب می کند و نه شورا! و در ماجرای انتخاب عثمان هم در تاریخ می بینیم که با تشکیل شورای شش نفری و انتخاب یکی از میان خودشان این انتخاب صورت می گیرد و نه از نص خبری است و نه شورا و انتخاب و در ادامه هم که مردم مدینه به اصرار، حضرت علی علیه السلام را وادار به پذیرش حکومت می کنند. ایشان این امر را تنها مشروط به رضای اصحاب بدر و رضای مسلمین قرار داد و می بینیم که در هیچ یک از این انتخاب جانشینی ها، اهل سنت روش خاص و یکسانی را در پیش نگرفتند و در نتیجه انتظار نمی رود درباره انتخاب و اختیارات امام هم به نظری واحد برسند.

۴-۲. تتبع ناقص درباره دیدگاه عالمان شیعه

نویسنده مقاله احتمالاً برای اینکه متن نوشته شده خالی از نظرات شیعی نباشد، گریزی به نظریات شیعه در خصوص امامت نیز زده است؛ اما اکتفا به یک دانشمند فاطمی و تنها شیخ مفید از شیعه اثنی عشری در حد مقاله ای که در دایرة المعارف قرآنی مطرح شده، کافی نیست و بهتر بود فرقه فاطمی با توضیحات کامل و همچنین معرفی چند تن از عالمان معروف و مطرح آنان بیان می گردید و از نظر دانشمندان شیعه نیز موارد بیشتری به صورت سیر تاریخی مطرح و بحث می شد. نویسنده مقاله همچنین به صراحت بیان می کند از نظر شیعه امامت متعلق به فرزندان حضرت علی علیه السلام است. در این باره باید چنین گفت این موضوع یکی از ملاک ها بوده است و آن هم به اذن خداوند صورت گرفته است نه اینکه خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا حضرت علی علیه السلام چنین تصمیمی داشته باشند؛ از طرفی این دیدگاه را زمانی می توان با اطمینان بیان کرد که مثلاً تمام فرزندان ارشد پسر از نسل حضرت علی علیه السلام به امامت می رسیدند؛ حال آنکه می بینیم پس از امام حسن علیه السلام که فرزند بزرگ تر حضرت علی علیه السلام است، امامت به برادر بزرگوارشان امام حسین علیه السلام می رسد و در فرزندان امام حسین علیه السلام نیز چنین نیست که به نوبت فرزندان بزرگ به امامت برسند. این موضوع در فرزندان امام کاظم علیه السلام بسیار مشهود است که در نهایت از میان فرزندان ایشان امام رضا علیه السلام به امامت منصوب شدند.

براساس باور شیعه نصب امام همچون نصب پیامبر از جانب خدا و به حکم عقل و قاعده لطف است. از آنجا که بشر همواره نیاز به هدایت دارد و لطف خداوند دائمی است در نتیجه در ادامه کار نبوت که با پیامبری پیامبر خاتم به انتها رسید این انتظار از لطف و رحمت دائمی پروردگار می‌رود که برای ادامه راه بشریت وجود امام را قرار دهد تا استمرار لطف خداوند مشهود باشد. ابن میثم در این خصوص چنین معتقد است: «أَنَّ نَصَبَ الْأَمَامِ لُطْفٌ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ، وَ كُلُّ لُطْفٍ وَاجِبٌ فِي حِكْمَةِ اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَهُ، فَنَصَبُ الْأَمَامِ وَاجِبٌ مِنَ اللَّهِ فِي كُلِّ زَمَانٍ» (بحرانی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۷۵). آیات قرآن هم این لطف مستمر خداوند را به وضوح تبیین می‌کند: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (انعام، ۵۴)؛ یعنی خداوند سبحان رحمت را بر خودش فرض و واجب کرده است و از آنجا که هیچ موجودی بر خداوند سلطه ندارد، ذات عالی خداوند این مطلب را بر خود واجب کرده است و از طرفی چون خداوند قادر مطلق است، هرگز به ذات او بخل راه ندارد که رحمت و لطف خودش را از بندگان دریغ دارد. وجود قرآن و پیامبر هم از ناحیه خداوند به عنوان نمود رحمت پروردگار معرفی شده است: «وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۱۰۷) و «وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (اسراء، ۸۲). وجود امام هم از همین سنخ لطف خداوند است و با نصب امام لطف پروردگار برای انس و جن استمرار می‌یابد.

۴-۲-۳. عدم تبیین مناسب مسئله عصمت امام

نویسنده مقاله تنها اعتقاد یا عدم اعتقاد به عصمت امام از نظر شیعه و اهل سنت را بیان کرده است؛ اما توضیحی در این خصوص و ریشه اعتقادی آن نیاورده است. به همین جهت لازم است در حد این نوشتار و پاسخ به نقاط ضعف این مقاله این مبحث بیان شود. از نظر شیعه از ویژگی‌های امام این است که معصوم باشد و از نظر اندیشه، گفتار و کردار عاری از خطا باشد و از این جهت با ویژگی پیامبر برابر است؛ اما تفاوتی که با پیامبر دارد، در وظیفه‌ای است که به او محوّل می‌شود؛ پیامبر دریافت‌کننده و آورنده شریعت برای بشریت است و به او وحی می‌شود، درحالی که

امام حافظ و تبیین‌کننده شریعت است و به او وحی نبوی نمی‌شود.

اما اهل سنت و یژگی عصمت را برای امام قبول ندارند و حتی شیعیان را از این جهت که پیامبر و امام را در این صفت یکسان می‌دانند، محکوم می‌کنند. این سخن اهل سنت علیه شیعه بدین جهت است که اگر اهل سنت این و یژگی را برای امام بپذیرند، باید از تعصب خود درباره خلفای شان دست بردارند؛ چرا که هیچ‌یک از آنان معصوم نیستند و در نتیجه دیگر چیزی برای ارائه نخواهند داشت. از طرفی دیگر در قرآن به عصمت امام اشاره شده است و خرده‌گرفتن این امر از طرف اهل سنت اساساً بی‌معنا است. قرآن کریم می‌فرماید: «قَالَ لَا يَنْالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۲۴)؛ یعنی ستمگران شایستگی امامت و سرپرستی جامعه را ندارند و این عهد الهی به آنان نخواهد رسید.

از نظر شیخ طوسی به پنج دلیل امام باید معصوم باشد: ۱. اگر امام معصوم نباشد، تسلسل پیش می‌آید؛ ۲. از آنجا که امام حافظ شریعت است باید معصوم باشد؛ ۳. اگر امام معصوم نباشد، واجب‌الانکار می‌شود که در این صورت با مفترض الطاعه بودن امام متناقض می‌شود؛ ۴. اگر امام معصوم نباشد، نقض غرض می‌شود؛ ۵. اگر معصوم نباشد، ممکن است از عوام هم پست‌تر شود (طوسی، ۱۴۰۶ق، صص ۳۰۵-۳۰۶). در ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره روایتی مفصل از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که آن حضرت به تعیین امام از سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به اذن خداوند اشاره دارد و این امر را نشانه تکمیل دین معرفی می‌فرماید و همچنین ضرورت امامت را تبیین می‌کند. آن حضرت می‌فرماید: «ای عبدالعزیز بدان شأن امام اجل و مقامش بالاتر از آن است که مردم با عقل نارسای خود امام معین نمایند. امامت را خداوند پس از مقام پیغمبری و خلیلی و در مرتبه سوم شرافت و فضیلت به ابراهیم عطا فرموده و خداوند در قول خود "إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا" به همین فضیلت اشاره نموده، می‌فرماید: شخص من که پروردگار جهانیان می‌باشم، تو را ای ابراهیم امام مردم می‌نمایم و ابراهیم از این منصب خود خوشحال شد و از خداوند تقاضا نمود که آن منصب را به فرزندانش هم عطا کند. خداوند فرمود عهد من که منصب امامت است، به اشخاص ستمکار نمی‌رسد. ای عبدالعزیز این آیه امامت هر ظالمی را باطل می‌کند و امامت برگزیدگان خداوند را ثابت و مدلل می‌دارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۹).

علامه طباطبایی نیز در تفسیرش با طرح بحث درباره معنای امامت در این آیه و بیان نظرات مفسران مختلف که البته هیچ‌یک را صحیح نمی‌داند، نظر نهایی خود درباره مقام امامت را چنین تبیین می‌فرماید که نام امامت در قرآن همراه با هدایت است و برخی آیات را برای نمونه (انبیاء، ۷۲-۷۳؛ سجده، ۲۴) ذکر می‌کند و در نتیجه غور و تفحص در این دو آیه، امامت به معنای مطلق هدایت نیست، بلکه به معنای هدایتی است که با امر خدا صورت می‌گیرد و این امر هم همان است که در آیات: «إِنَّمَا أَقْرَبُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، فَسُبْحَانَ الَّذِي يَبْدِئُ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ» (یس، ۸۲-۸۳) اشاره شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۶۷)؛ در نتیجه امام شخصی است که نه به صورت موروثی و نه با انتخاب مردم، بلکه از جانب خداوند تعیین می‌گردد. طبرسی ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره (قَالَ لَا يَنْتَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) درباره معصوم بودن امام دیدگاه علمای امامیه را چنین بیان می‌کند که آنان با استناد به این آیه معتقدند امامت به ستمکار نمی‌رسد و این نکته را نیز می‌دانیم کسی که معصوم نیست، بالاخره یا به خود یا به دیگران ستم کرده است و در نتیجه شخص ستمکار هرگز امام نمی‌شود حتی اگر از ستمکاری توبه کرده باشد؛ زیرا در آن حالی که ظالم ظلم می‌کند، آیه شامل وی می‌گردد و می‌گوید «لَا يَنْتَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» و کلمه لا ینال در این فراز از آیه مطلق است و مقید به زمان مخصوص نیست؛ بنابراین شامل همه زمان‌ها می‌شود و در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که کسی که ظلم می‌کند، هرچند بعداً توبه هم بکند، در هیچ زمانی به امامت نمی‌رسد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۸۱) و این دلیلی دیگر بر ضرورت عصمت امام و همچنین موروثی نبودن انتخاب او است.

نتیجه‌گیری

از مطالبی که بیان شد نتایج ذیل به دست می‌آید:

۱. دایرةالمعارف قرآن الیور لیمن نیازمند نقد و بررسی است، به خصوص با توجه به دیدگاه‌های شیعه، نقد آن امری لازم و ضروری است.
۲. مدخل «امامت» (Imam/Imama) در دایرةالمعارف قرآنی الیور لیمن دارای نقایطی

مثبت است، از قبیل: تبیین مفهوم واژه امامت و اشاره به مشتقات آن در قرآن، توجه به دیدگاه مذاهب مختلف اسلامی درباره مفهوم امامت مانند شیعه (زیدیه، اسماعیلیه، فاطمیه و اباضیه) و اهل سنت، توجه به دیدگاه فرقه‌های مختلف شیعه درباره امامت و ارجاع به برخی منابع شیعه همچون کتاب کافی و تفسیر قمی.

۳. در مدخل «امامت» به‌رغم داشتن نقاط مثبت، اشکالات کلی و جزئی دیده می‌شود. اشکالات کلی از قبیل: عدم شناخت و استفاده از منابع معتبر و اصلی، اکتفا به منابع اهل سنت، عدم شناخت و اشراف کامل بر منابع شیعی، ارجاع به منابع و دیدگاه‌های سایر مستشرقان، نگاه جانبدارانه برخی مستشرقان و عدم تسلط به منابع دینی (آیات و روایات) و اشکالات جزئی و محتوایی همچون: ضعف واژه‌شناسی و تعریف اصطلاحات، عدم نظم و سیر منطقی در ارائه نظرات، نگاه جانبدارانه در مسئله امامت، عدم مراجعه به منابع اصیل و معتبر، ناتمام‌ماندن بحث اصلی مقاله، اکتفا به برخی دیدگاه‌های اهل سنت، تتبع ناقص درباره دیدگاه عالمان شیعه، عدم تبیین مناسب مسئله عصمت امام.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۰۹ق). مناقب عمر بن خطاب. بیروت: دار صادر.
۲. ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد. (۱۴۱۷ق). الصواعق المحرقة (ج ۱، به کوشش: کامل محمد خراط). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳. افضلی، محمدعلی. (۱۳۹۹). بررسی مدخل «غلو» در دانشنامه قرآن الیور لیمن. قرآن پژوهی خاورشناسان، ۲۹، صص ۲۷۲-۲۹۲.
۴. بحرانی، ابن میثم. (۱۴۰۶ق). قواعد المرام فی علم الکلام (چاپ دوم). قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی رحمته الله.
۵. بصری زهری، محمد بن سعد. (۱۹۶۸م). الطبقات الكبرى (ج ۳، محقق: احسان عباس). بیروت: دار صادر.
۶. تفسیسی، حبیب بن ابراهیم. (۱۳۷۱). وجوه قرآن. تهران: دانشگاه تهران.
۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). المستدرک (ج ۳، به کوشش: مصطفی عبدالقادر عطا). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. حسینی، غلام احیا. (۱۳۸۷). شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان (۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶ میلادی) (زیر نظر: دکتر محسن الویری و دکتر عباس احمدوند). قم: انتشارات شیعه شناسی.
۹. دمشقی، ابن کثیر. (بی تا). السیره النبویه (ج ۴). بیروت: مکتبه المعارف.
۱۰. ذهبی، شمس الدین. (۱۴۱۳ق). سیر أعلام النبلاء (ج ۱۴). بیروت: الرسالة.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات. بیروت: دار العلم.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران. (۱۳۸۳). القرآن الکریم (نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم). قم: دارالذکر.

۱۲۰
مِظَالُ الْحَقِيقَاتِ

سال ۱۴۰۱ (پیاپی ۱۳)

۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ اعتصامی، سیدمهدی. (۱۳۸۸). معرفی و بررسی دایرةالمعارف قرآن الیور لیمن، دوفصلنامه تخصصی قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ۴(۷)، صص ۲۹-۷۲.

۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ علوی، حسین. (۱۳۹۷). بررسی اعجاز قرآن در دانشنامه قرآن الیور لیمن، قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ۱۳(۲۴)، صص ۲۹-۴۸.

۱۵. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور (ج ۳). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.

۱۶. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۹۹۰م). الملل و النحل (ج ۱). بیروت: دارالمعرفه.

۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱). بیروت: الاعملى.

۱۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن (ج ۱). تهران: ناصرخسرو.

۱۹. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۶ق). الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد (چاپ دوم). بیروت: دارالأضواء.

۲۰. عسقلانی، ابن حجر. (۱۴۰۴ق). تهذیب التهذیب (ج ۷). بیروت: دار الفکر.

۲۱. علوی مهر، حسین؛ وجدی، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی مقالات «شفاعت» در دایرة

المعارف قرآن الیور لیمن. قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ۲۳، صص ۱۰۳-۱۲۲.

۲۲. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۵ق). التفسیر الکبیر (ج ۱). بیروت: دار الکتب العلمیه.

۲۳. قاری، محمد. (۱۴۲۲ق). مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح (ج ۱۱)، محقق: جمال عیتانی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲۴. قشیری نیشابوری، مسلم. (بی تا). صحیح مسلم (ج ۴). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱)، محققان و مصححان: علی اکبر

غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۲۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۲). دایرةالمعارف قرآن کریم (ج ۴). قم: بوستان کتاب.

۲۷. موسوی بجنوردی، سیدمحمدکاظم. (۱۳۶۷). دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۱۰).

تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

References

* The Holy Quran.

1. Afzali, M. A. (1399 AP). Examining the entry of "Exaggeration" in the Koran encyclopedia of Oliver Leaman. *Orientalist Qur'an Studies*, 29, pp. 272-292. [In Persian]
2. Alavi Mehr, H., & Wajdi, F. (1396 AP). A review of "intercession" articles in Oliver Leaman's Qur'an encyclopedia, *Orientalist Qur'an Studies*, 23, pp. 122-103. [In Persian]
3. Asghalani, I. H. (1404 AH). *Tahdeeb al-Tahdeeb* (Vol. 7). Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]
4. Bahrani, I. (1406 AH). *Qawa'id al-Maram fi Ilm al-kalam* (2nd Ed.). Qom: Library of Ayatollah al-Marashi al-Najafi. [In Arabic]
5. Basri Zahri, M. (1968). *Tabaqat Al-Kubra* (Vol. 3, Abbas, E, Ed.). Beirut: Dar Sader.
6. Center for Quranic Culture and Sciences. (1382 AP). *Encyclopedia of the Holy Qur'an* (Vol. 4). Qom: Bostan Kitab. [In Persian]
7. Dameshqi, I. K. (n.d.). *Al-Sirah Al-Nabawieh* (Vol. 4). Beirut: Al-Ma'arif Library.
8. Dhahabi, Sh. (1413 AH). *Seir Alam al-Nubala* (Vol. 14). Beirut: Al-Rasalah. [In Arabic]
9. Fakhr Razi, M. (1425 AH). *Al-Tafsir al-Kabir* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
10. Hakim Neishaburi, M. (1411 AH). *Al-Mustadrak* (Vol. 3, Abdul Qadir Atta, M, Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
11. Hosseini, Q. (1387 AP). *Shia studies and English-speaking Shia scholars* (1950 to 2006) (under the supervision of Dr. Mohsen Alviri and Dr. Abbas Ahmadvand). Qom: Shia Studies Publications. [In Persian]
12. Ibn Hajar Heythami, A. (1417 AH). *Al-Sawaiq al-Muhriqa* (Vol. 1, Kharat, K. M, Ed.). Beirut: Al-Rasalah Institute. [In Arabic]
13. Ibn Jozi, A. (1409 AH). *Manaqib Umar bin Khattab*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic]

14. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 1, Ghafari, A. A., & Akhundi, M, Ed., 4th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
15. Mousavi Bojnourdi, S. M. K. (1367 AP). *The Great Islamic Encyclopedia* (Vol. 10). Tehran: The Center of the Great Islamic Encyclopaedia. [In Persian]
16. Qari, M. (1422 AH). *Marqaat Al-Mafatih Sharh Mishkat al-Masabih* (Vol. 11, Eitani, J, Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah. [In Arabic]
17. Qushairi Neishaburi, M. (n.d.). *Sahih Muslim* (Vol. 4). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
18. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat*. Beirut: Dar Ilm. [In Arabic]
19. Rezaei Esfahani, M. A et al. (1383 AP). *Al-Qur'an al-Karim (the first group translation of the Holy Qur'an)*. Qom: Dar al-Zhikr. [In Persian]
20. Rezaei Esfahani, M. A., & Alavi, H. (1397 AP). Examining the miracles of the Quran in the Koran encyclopedia of Oliver Leaman, *Orientalist Quran Studies*, 13(24), pp. 29-48. [In Persian]
21. Rezaei Esfahani, M. A., & Etesami, S. M. (1388 AP). Introduction and review of Oliver Leaman's Koran encyclopedia, *Journal of Orientalists' Qur'an studies*, 4(7), pp. 72-29. [In Persian]
22. Shahrestani, M. (1990). *Al-Milal va Al-Nahl* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Marafa.
23. Soyouti, A. (1404 AH). *Al-Dur al-Manthour* (Vol. 3). Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [In Arabic]
24. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma' al-Bayan Fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 1). Tehran: Nasser Khosro. [In Persian]
25. Tabatabaei, S. M. H. (1390 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Al-A'alami. [In Arabic]
26. Teflisi, H. (1371 AP). *Faces of the Qur'an*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
27. Tusi, M. (1406 AH). *Al-Iqtisad fima Yata'alaq be al-Itiqad* (2nd ed.). Beirut: Dar al-Azwa'. [In Arabic]